

رهگذر مهتاب



۱

نخستین مجموعه شعر صفارزاده است که در سال ۴۱ منتشر شد. این شروع خوبی برای شاعر بود که بعدها با «طنین در دلنا» ادامه یافت؛ ایوان خانام / به وسعت قبری است / از آفتاب و خاک / نشستام به وسعت قبر / و منتظرم / که دست رهگذری / ادامه دستانم باشد / و قفل خانه را بگشاید / صدای خسته کفشی می‌آید / صدای تیزی زنگ / از قعر پلکان / مهمانی آمده است بگوید ...

طنین در دلنا



۲

این کتاب در سال ۴۹ منتشر شد و سومین کتاب شعر صفارزاده است. از این کتاب دوره دوم شعری صفارزاده آغاز می‌شود؛ در سفره / مرگ آمده است / صدای آمدن دندان بر لقمه / همراه با صدای گلوله‌ست / که پشت همین میدان / در ابتدای همین کوچه / بر سینه‌ی جوان تو می‌تازد / و باز می‌کند آنرا همچون سفره / و لقمه بغض می‌شود / گلوله می‌شود / گلولی مرا می‌بندد / گلولی من بسته‌ست ...

سفر پنجم



۳

«سفر پنجم» پنجمین مجموعه شعر طاهره صفارزاده است که در سال ۱۳۵۵ منتشر می‌شود. در این کتاب شعرهایی با مضمون آیینی و مذهبی بیشتر دیده می‌شود: گل‌ها تو را نمی‌شناسند / رودخانه‌ها تو را نمی‌شناسند / همسایه‌ها تو را نمی‌شناسند / درخت‌های پایه کاغذی تو را نمی‌شناسند / جیب تو / پر از یادآوری‌ها است / آزمندی دست‌ها و پرندگانی / که تمبر شده‌اند / تو در وضعی نیستی ...

صدای بلند انسان

آزادی و عدالت‌خواهی مهم‌ترین دغدغه طاهره صفارزاده در شعرهایش است



دکتر یاسر هدایتی استاد دانشگاه

در کوچه‌های تنگ بنارس اگر سیزده‌ساله‌ای دیدی که دنبال ارابه مهاراجه و بانو می‌دود و قلوه‌سنگ پرتاب می‌کند او پسر من است در پنج‌سالگی هزاروپنج ساله بود هزار سال ادامه‌ی آفتاب بعدها دختر بچه‌ای را سلام گفتم که رنگ چشم‌های او را داشت بزرگ‌ترین اختراع همیشه از آن شما بوده است

صفر را می‌گویم که آغاز را آغاز نهاد... این فرز از شعر بلند «سفر اول» طاهره صفارزاده، «بدلی» از نام او است؛ نام بلندی که در شعر معاصر ایران فراموش‌نکردنی و انکارناشدنی است.

شعر «سفر اول» در کتاب «طنین در دلنا» منتشر شده است؛ کتابی که تنها در زمان خود یک اتفاق نبود. کتابی که در تاریخ ادبیات فارسی آمد که بماند و ماند، آن هم شانه به شانه نام‌های بلند ادبیات معاصر فارسی در دهه پنجاه: مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، احمد شاملو، نصرت رحمانی، منوچهر آتشی، اسماعیل خوبی، نادر نادرپور، م. آزاد، یداله رویایی، محمدعلی سپانلو، منصور اوجی و... (دهانم پر از بهارنارنج شد)

درباره «طنین در دلنا» بسیار نوشته و گفته شده است. چه در زمان انتشارش و چه بعد از آن. چه در مدح و چه در ذم. از طرف آنانی که صدای تازه و منحصر به فردی را در شعر دهه پنجاه به تماشا نشستند و از طرف دیگرانی که شعر را بیرون از زلم‌وزیمبوی متصنع، «معر» می‌دانستند و در این بین کسانی نیز بودند که مایه‌ی طنینی در دلنا و بودن صفارزاده را تاب نمی‌آوردند.

و این سومی‌ها دو دسته بودند؛ آنها که زنی مستقل و مسلمان و روشنفکر و عدالت‌خواه‌بودن را اصلاً ممکن نمی‌پنداشتند و آن‌های دیگر که ستم‌ستیزی و آزادی‌جویی و عدالت‌خواهی و به‌سخره‌گرفتن ادای

دموکراسی و زبان در کام‌نگرفتن شاعر را نمی‌پسندیدند و البته که دریغ نکردند از هر آن زخمی که می‌توانستند بر پیکر نحیف شاعر بزنند. برای دانستن قصه پرغصه شاعر از این ماجراها، مراجعه کنید به مصاحبه‌ای که در سال ۵۹ بهرام قاسمی با طاهره صفارزاده انجام داده است و در روزنامه اطلاعات منتشر شده و شرح مفصلی دارد از هر دو طرف. اما میدان رزم شاعر، شعر اوست و بیشتر از اینکه در مصاحبه‌ها و تکنگاشته‌های دکتر صفارزاده بخوایم از این رنج جویا شویم، با خواندن شعر او و آگاهی از این زمینه و زمانه قابل درک می‌شود که مرجع ضمیرهای شعر نستوه طاهره‌ی شعر معاصر چه کسانی‌اند. ویژه آنکه گاه

شعر او تازیبانه‌وار بر آنها می‌تازد: گاهی دلم برای یک روشنفکر تنگ می‌شود
تعریف لغت‌نامه را در باره‌اش خوانده‌ای
موجود افسانه‌ای غریبی است (سفر اول)
یا:
دلتنگی مردی بود که در شیلی هفت پست اداری داشت
و شعر ضد سرهنگان می‌نوشت
در بیمارستان به من پرسشنامه‌ای دادند
نوشتیم از گره‌ای بدم می‌آید که طعم روغن نباتی دارد (سفر اول)
یا:
دهبان پارسی
بیدار بود
بیدار و بیم‌دار
شاید که باد مهلک